

در ایام هفته بعد از مکان طبع و نشر میگردد
یکم نمره هفت شاهی
مدیر غلامحسین کسایی
محل اداره کسبا

بختکدنگ
۱۳۳۵

عنوان نگراف و تلفون : از توقیف اولی الامر داریم
عنوان مراسلات پستی : زمین کسبا مدیر
وجه اشتراک بعد از سه نمره دریافت میشود

قیمت اشتراک

۵۰ تومان

۲۰ تومان

یکماه
شش ماه

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان بشمار افکار اسلامی است

افاده مرام

کاکین این روزنامه برای آگاهی پرستان تمام آزادی
سطوحات در صد تأسیس این جریده دین نامه برآید
بسیار این ادراک از روزم گذشته بگوید
بدون فوت وقت خلعت را کنار گذاشته با مردان
رسمت ما فرام نبوده لوازمات عیالات مرفی گفته توفیق
این خدمت و بی پایان رساندن این مقصود را از خدمت

احدیت خواستاریم

مقصود عبارت پردازی و قیامات خادمیت
گشته و افکاری خسته باز بانی الکن بخواهیم اظهارات
خود را از نظر افادیت گذرانیم

شاید بدین وسیله افکار عمومی را متوجه ساخت با ما
شوند از صاحبان افکار عالیله و ادب آتم بسته و مطبوع

اعتذار

اول باید دانست که بیت نموده این نامه ملی ایرانی و
بزرگی نژاد و طرفدار حقوق و مطیع قانون میباشد جهت

طبع و نشر بدین اتیاز از خدمت بید مهدف تفاوت
دست بوده است دانشمندان بجا بید نهاده و این
از لیس شماره از آن مقام منبع اتیاز این جریده ما خواهیم
اولین قدم برای حسن جریان احکامات

احکامات چهارمین دوره تقبیه از زمان عموم و بشود و طب و
مستند ساخت است و حقوق و فایده گانی که منول جیات
احکامات قطعی اینده که مسیهای پارس است و اشتغال خواهند
نمود یعنی در این دوره تقبیه یا یکی عرفی مرک به مثالی این
است و خاک خواهد نشست و یا نیم جیات بشام دفن
در مسید و جنسی در عسای خانوی به ناز خواهد شد

پس فتنه ایران در بار بکترین حوضج بولناکی که اصل سیاست
این است بک نظر آنرا که نشان داد و دفعه کرد ده است

در بیا کرد این بیت روح آینه از عیادت کار خنده و
و از گوشه و کف و مشهور میگردد و اما از یک
امر نموده خیال امیدمان به حقیت با نوس از برای
مدین عینی که فقط امید داری که از این

داشتند حاضر جریان انتخابات است که بدستگاه آنها
یکت و سیسکاری فرق اعاده بر است از ادوار سابقه
بهتر و قاطع تر است حال جریان باشد
و واضح است که این قسم جریان انتخاب تا چه حد به قوت
و قیام خواهد داشت و بجه اندازه آیه این آب و خاک را
تهدید نماید

آری اولین قدمی که برای حسن جریان انتخابات لازم
بوده و میباشد و چندان وقت هم فوت نگردیده است
تقسیم حکام در دسای سابقه و سلب اقتدارات غیر مشروع
ایشان میباشد از قبیل ظل السلطان و وفای فرما
و کاران بزرگ و معتقد الدوله و غیره

چه همین حکام در دسای امروزه که مصداق امر ایالات و
ولایاتند از همان زمره اشخاصند که تازیانه یک و کاس
غیر قابل تقریر دست به است مکاران ستم پیشه استبداد
خوش خود و خواهران خود یعنی سلطنت مستبد و مغفوره کنند
روسی داد و در از روز کار نوع خود بر آورده و اند
بچگونه لطمه بناموس وطن و هموطنان خود مضایقه کردند
انصاف باید داد که ما نام داری این گونه اشخاص
با اقتدارات و اختیاراتیکه مواد (۱۰) و (۱۱) قانون
انتخابات نمایندگان مجلس ملی به ایشان میدهد

آثاره و نتیجه بجز سوت دادن قتل بودای عدم و
تهدید با ضحکال چیز دیگری را در بر خواهد داشت و آیا
جریان این انتخاب اطمینان بخش خواهد بود

و در کلاسیکه به سینه ایمان و پارتی بازی فرق مخصوص
از که داری از کسیرن پارلانی نیستند برگریدند و فانی
قانون گذاری و زمامداری ممکن بوده و شاید سپردن
ناموس قومی بچند افرادشان خواهد بود؟؟

که امروزه چون گرگان آدم خوار خود را با بس میسر
میشود

و ما نشان وطن سر می نمایم

و ... چه ساد و لوحی و چه سهل انگاری مانیز با سبب
افکار عموم مسلمانان ایران آنان را غلط نشان مینمایم
که ایرانیان امروزی بدین اغفالات و محض کردن
لباس و تجدید پرده و زیب سجده و پیچیده خود را
آلت دست شمار دارند و اسند داد و میگویم

ای سخنران فاضل پیغمبر باینکه ملت ایران لذت
اشقام را چشیده و از این طعمه لذت دست بردار نخواهند
بود و در دوش متحده جدید خود را که هجرات
فوری فاسقان است کنار نخواهند گرفت
اگر چنانچه بزرگترین حیل و دسایس نیز تمسب شده
و تقسیم قوت منظم دولت قیوم را که شروع باصلاحات
و تصحیح مرفاسه و دفع سوء بودیه و دفع حکام طایفه
و انتخاب نمایان در سکار از جهت سرپرستی ملت است
محترم شمرده و در صدد اخلال برآیند

بدون فوت وقت و نراپان راه گذار مان خواهند
بمنت

و مانیز این اقدام بوضع قوت معظم دولتی و که باصلاحات
شروع کنند باقی محو از دولت خواهی و فرمانبردار
تقدیس کرده و موافقت نرا برین مکارهای عظیم که
اولین قدم برای من جریان انتخابات است در خدمت
مینمایم

آقای مدیر محترم روزنامه جنگل سواد ملگراف وکیل را
که بطهران مخابره شده برای اطلاع قارئین کرام
به اولین شماره جریده خود مدح فرمایید

سواد ملگراف

نویسنده حضرت اشرف آقای مستوفی الملک
ناکامی اعلی حضرت شاهی خلد الله ملک
افشاح دار الشوری تاکنون برای برخی خود را

متعسر بود اکنون باقبال برزوان شایسته می توان
منفق و شرط موجود زمان جهان مطاع که
حاکم از حسن نیت مقدمه و مرام ملوکانه بود

صادره
مضرات تاخیر این امر در پیشگاه جمیع مشهوران
پس این مشغول است عا و ارم امراده تساعلی
سرعت انتخاب و تشکیل و از انوری که یکی از
مقاصد فانیان است مقور تا پس از افتتاح
مجلس سایر مقاصد و مرام فانیان که فقط متضمن
حفاظت وطن و ملت و حیانت تاج و تخت
اعلی حضرت شایسته ای بوده و مهت بایه
سریر مقدس موضوع کرده

محل قریب اتحاد اسلام گیلان

مکتوب محلی
تقدیم شکر: در خواست فعلیت
قول و افضل لازم است

روزنامه مساوات در شماره ۴۴ تحت عنوان مکتوب برابر
مقاله مندرج بودی اختیار محکم کردید که بنات مساوات
خود را هم قطار نام را توسط این جریده در ضمن ادای تشکر و
عوض جواب مشهود دارم
بدین است که هیچ قومی در عالم مانند ملت تکریم ایران
بازادی ملت روسیه که در زیر رنجبر اسارت حکومت
مستبد و بدترین در گاری و چار بودند علاقه مند
نبوده و نیست

توضیح واضح می یابیم که بگوئیم حقیقت و موکراسی تمام
اقوام عالم را متحد و وحدت علیات هر ملتی را بدو
ملاحظه اختلاف نراند و نه بهب متضمن جلا و این

نظریه که آزادی هر ملتی به اشتباه است ملتی که دیگری که
طبق آزادی را ملی بنامید خواهد شد ملکت و ملتی
است که برای تعلقات اقتصادی و تجاری و غیره
علاقه حیاتی با مللک دیگر داشته تاگر برند که رشته
معدت خود را محکم و از مساوات یکدیگر بهره مند گردند
ملت ایران آن ملتی است که بیش از اقوام سایر ملت
روسیه مرتبط و منظر حسن روابط تجاری است

ایران محنت دیده بارزده سال است که بفرمانی هزاره
فرزند رشید خود حریت را تحصیل و در این مدت برای
مطالعه و تحت خیر حکومت نزاری در ذمه موفق با صلاحات
نگر دیده کلیه آزادی از دایره لفظ خارج نشده بلکه تحت
تراز استبداد سابقه چهار لطافت طاقت فرسا گردیده

اطفال پرگشته پدران و مادران پسر مرده مردان
همی بیاد داده که بامید استقام را آنچه عدالت شکل
این همه خارت نموده با دیده عصرت گران و منظر که
روح مساوات روزی آنا را آمار و نای ویرانه است

سوق دهد
لطایف غیبیه نمک داشت که قاموش کننده عدالت
شیر اسحر کند ابد و ابد باها کامل دست چفت بر
انتقام از آئین مردانه جوانمردن روسیه پرورن
بایک انقلاب پر از شرف و راز و تحت سرنگون
تخت و از گون سجد بندگان و به استغنا است
فرح بخش حریت کردند

موصیات ملت روس بقدری با تمید ایرانیان
افزود که هیچک از عناصر ایرانی (مردی یک جمیع
رذل و برف) نتوانستند از اظهار شرف سود
کنند مظهر بودند که سر بیا از حرف حکومت موکراسی

روس جبران ثقات شده بگلهای مادی و معنوی تحلیف
ایران و لغاء امتیازات ششماهه بری بجرافات قلوب
با بگذاردند

مع اتانف تا امروز اظهارات مساعدت آمیز دولت
دولت روسیه مثل مشروطیت یازده ساله ما یازده
دایره لفظ جردن نهاده در حالتیکه

قول را فصل لازم است

این نکته مسلم است که ملت روسیه طبعا سنجید و لایم
دارای محبت دانی و شرف آدمی بیچگاه از ابرار
حیات دوستانه درباره همایگان خود فاطمه ایران
خود داری داشته اکنون نیز ایرانیان همه اظهارات
برادرانه آنرا بحسن قبول تلقی میکنند ولی قشون
دولت را جز اطاعت پسرسلین حکومت مشروطه
خود چه تکلیفی است

حادث اخیر بطوریکه اگر گواه صادق یافت ؟
اظهارات آفات و تاسعات برشده ای البته شایان
تقدیر است ولی امروزه بهر مدتی بگذرد امید که
چشم بینندگان ایرانی حق حیات مستقلی داده میشود ؟

حکومت روس که اسی روس با صمیمیت ملت خود
نسبت با چه راه است ؟

در اینجا جواب منفی است ! چرا ؟

تا امروز قضیتی ندیدیم در حالتیکه

قول را فصل لازم است

از آغاز جنگ بین اهل ایران و سلاطین خود را اعلام
و مطمئن بود که دول همایه نقض بیطرفی او را نخواهند
همایگان جنوب و شمال با هم جد گیری اند
پروپاگاندا آلمان حامی مداخله وطنی و حبس قتل

خودشان مأمور داخلی ما را غلط کرده بیش از سایر دول
موزش اختلال ملکوت بودند بیجای آنکه در هیچ
موقتی دست از تجاوز نکشیده و فواید قنولات
خود را که هر یک در حوزه مأموریت خود سلطانی
مستقل و مقتدر هیچ قیدی نبوده اند بمالک نموده
و دولت ایران را با مساعدت خود بگذارند بیطرفی
خود را محفوظ و فواید بیطرفی آنرا خود جلب کنند
بیچیک از اینها عطف نظری نموده سهل است
زینتی بغفلت و تقدیری مأمورین ایشان افزوده
و از طرفی بنای حقوق قشون گهشته سبب شدند
که تعجب آنان بعنوان معارضه مثل قشون دارد
کرده ایران را بظلمت و جهل هزاران بدبختی و چار
قتل و غارت بهت آوری نمایند که ترسیم آنها از
دائرة قدرت فعلی همه ما خارج باشد چقدر رزوه
حقیقت از یادمان میبرد !!!

قشون عثمانی در بدو جنگ مگر قادر بر تجاوز و دخول
به خانه ما بودند ؟

جگلهای حدود و کرمانشاه زمان رئیس الوزرا
عین الله دوله از خاطر ما محو شد ؟

چه چیز سبب شد اخیرا از ورود عثمانی بخراسان
ایران ما بقتی عمل نیاید ؟

چنان وجود قشون روس و سربازان و قشون
جدید روس و مداخله دولتی انگلیس و روس

صریحا !

آیا میتوانستند انکار کنند ؟

فرونت ایران از کدام نقطه تسون بخشی برای دولت
روس شمر می‌شود؟ که با آن همه امتیازات فزوده
ما چه هنوز از این پلیس بی صرفه دست نگه‌داشته
از مقصود مجاری به عثمانی است سرحدات تقطاع
داره حقیقه از هر جهت برای سوق قشون مناسبتر
و بهتر است دیگر دست از گریبان شتی بیچارگان
برنداشتن و مملکت آنانرا سپیدان مجاری قرار
دادن جز توطئه سودا تقاضای نتیجه دیگری خواهد داد
مگر دولت وقت ایران تقاضا کردند که شاه
ایرانرا تحلیه کند بیرون کردن عثمانیها را
چگونه داریم آیا امتحان کردند؟
آیا عثمانیها جز بعنوان بیرون کردن قشون روس
از ایران متوسل بعد از دیگری شدند؟
آیا امروز که قشون عثمانی از ایران خارج و بغداد
و تصرف متحد آنها و حکومت روسیه و موکرای
مهاجرین ایرانی اغلب بایران عودت کرده دیگر
جای عذری باقی است؟
باز هم مواجید دیپلماتسی که اساسش نقص برپا
است؟
باز هم باید خلعت در حجاب الفاظ دیوانی بیجا
شاه بازی باشد؟
آیا بتوان اندام دراز خود را صرف نظر کرده
و بقول تنها مطمئن شد در حالتیکه
قول را فعل لازم است
و انگلیس برای نداشتن قشون کافی در اوطاع جنگ
بین المللی دولت مستبده تازی را آلت و باکم
جلو گیر از هجوم احتمالی عثمانیان متحرک شد خاک ایرانرا

میدان مجاری قرار دهد خود هم بوشهر را اشغال صدرا
تجوازه خود را با هزار تومان سرمایه روس منظم و شریک
بنیادی شده اند که فواید خود را با تشکیلات جدید
تسونی خود تأمین کنند
امروز که انگلیس دارای قشون بری کافی عثمانیها از
ایران بیرون دولت وقت آزاد روس عدم صرف
فرونت ایرانرا محسوس کرده دانستند که تحلیه ایران
از اشغالش بشیر مقرون بصرفه است تا امروز آلت
بودند از این بجهت نباید آلت شد دیگر چه تازی؟
عجبا، بیگویند در صورت خروج عثمانی و انگلیس
از ایران و خانه جنگ قشون با عودت میکند!
عثمانیها که رفتند، گویا همان صورت همیشه عثمانیها را
اراده میکنند!!
انگلیس که متحد آنها است خانه دیار و دام جنگ
خدا اینکه برای تنبیه بشری ما را از قتل اجبار بشمار میکند دیگر چه ربطی با
دارد؟ اگر فخری قشون عثمانی در حد و کردستان
و انگلیسها در فارس باشند برای توقف قشون
دولت آزاد روس است
امتحاناً ما را بسجال خود مان مگذارید اگر عثمانیها و
سایرین قانده بتجاوز ما عاجز از جلوگیری شدیم
آنوقت بتوانید بخلاف عقاید حکما ما را در دایره
دور و تسلسل سرگردان کنید
دور و تسلسل
و بین روس و انگلیس میگویند ما نیز ویم و فیکه عثمانی

به دو عثمانی میگوید مادر ایران نیایدم مگر برای پرودن کردن آنان روس و انگلیس هر وقت بختند ما هم برویم پس این قافله تا بحر لنگ است و ما در یک هفته دور و قسمل مقیمه و باید مثل همه وقت گرفتار برنج غدا باشیم

آقایان من فاتحیت عثمانی و آلان مغلوبیت روس و انگلیس یا بالعکس چنانچه با خواهد داد.

ما میگوییم همه بگذاردند که مادر خانه و ایران خود نفسی برآ کشیده در عالم برادری بقدر یکخواهر ببارش دهند زیاده بر این خیال اصلاحات ما را عقیم نگذارند دنبال اقوال دوستانه نرفته افعال دشت به قوه دهند زیر الزام

قول راضل لازم است

چگونه مایکت فلک و گان اواره از خانان توانیم با ظهار دوستی برادران روسی متقاعد شویم در حالیکه آنها سر قادر بیکو گیری از ملتک دولت مشروطه خود نیستند! ساده تر عرض کنم آنها هم در پنجه زانما دران سر وقت خود مثل هر وقت با مقیدند

آیا دولت روسی روس با مؤلفین خود که آن مؤلفین فقط و فقط برای توده مستعرب و اضحلال اقوام صغیره جنگ میکنند. همینکه میگویند مگر طبقه ها از برادران نوعی مسلکی ما را منور در قریبگاه فروتنهای مختلف قربانی اوموس دیگران میکنند؟

در حقیقت روح لریت برای قتل و انهدام این اعضا نفیبه نری غذا دار است!

از سرار صحافی لایحل سیاسی که از فهم بنده جنگلی فاج دایره است گذشته قدری ساده صحبت کنیم بیرون کردن مثنی بیترخان ایرانی را در گسیلان نقاط دیگر ایران از قنول خانه های خود و قتل از ایزه قدری صحبت نشان دادن هم جزو اصلاحات محتمل است غول نیم را در صورت بقای یکت خان دیگر چه باید باشد؟

اگر نسخ معاهدات مغیره قدیه یا الف ابتیاراتی را که که محمدولی خان سپهسالار میخواست عاری از سرف و است در خلاف قانون مملکتی داده و امروزه در کمال رعیت مجری میشود لغو کردن یا سکوت عنه گذشته قابل اهمیت است؟

چگونه میگویند که ابتیارات سپهسالار می خورجی نده در صورتیکه راه آهمن پیر بازار و غیره با معذرت کامل گواه صدق بنده هشتم است پس چه باید کرد؟ همان عنوانی است که بدو ا عرض شد مساعدت علی بنخواستیم زیرا:

قول راضل لازم است

جنبه و مقابله و اقامت جنگل و عدم اطلاع از امور سیاسی و ادبی بالاخره بیحلی و بیوادی مجبورم خست که ساده در دل کنم شاید بازبان جنگلی خود توانستم سوز دل خود را مابت و برادران حریت طلب روسیه را آگاه کنم که آنها نیز چون ما دچار بهنجی هستند بقول بابا طاهر عریان بیاسوده دلان که دهم آئیم آنها آلت دیگران ما گرفتاری هری آنان هر دو هم ضحیه ایم که در خطیم بدستخانه هد مکر علاج کنیم

چشم باز و گوش باز این عی
حیرتم از چشم بندت خدا

معاودت تابوشت یا اقامت جنگل در عرض هم
زیرا ما ایرانی و ایران و ایران خانه ما این است
ما هجوم نکریم بلکه همه وقت مورد هجوم سارین
شدیم خصمانه و در دو سکنند مدفعیه میکنیم و در
ستانه می آیند پذیرائی مینمایم گرچه مصداق
با یک عالم بختیم برای فقدان وسایل از همانا
محترم خود پذیرائی کامل نمودیم
و خانه از کینه محترم کار نیزون و تمام مجاهدین و عی
صالحات آزاد و بسته ایشان و لشکر نموده و بدین
که انظار ایشان از روی صداقت و صمیمیت بوده و فرام
بود و ما هم در گوشه جنگل با بقرایان و مواجید برادران
آنها مقیم در این دوازده یک دنیا امیدمند که

قول راضل لازم است

(یکتومنگی)

قابل توجه گارکن مساوات

در بین طبع و در زمانه این خبر و وقت اثر بگو خوش
بار سیده

اعدام
روز شنبه از کرمانه خبر میدهند که روسها

۱۸ نفر از انالی را بدار زده و معده و مینایند تا گرن
براکتف نشده که آنها از چه طبقه میباشند

ساره ایران

ثبت حرکات قشون روس

اخیراً اخبار اسف سخته تری از معاودت نظامیان روس
ثبت بایر آنها شنیده میشود که در صورت صحبت باید

قضیه ظلم و فشار را در نصف الهامیت داشت
شنیده میشود که قشون روس از آنطرف کرمانه
عقب نشسته و در موقع ورود بکرمانه دست تطاول
نکوده اند همچنین در خصوص مال گیری و نهیستن آذوقه
تعیات فاحش از ایشان ثبت بر عابای بیچاره ایران
شده میشود که تا بحال این حرکات کم نظیر بوده و در
استیجاب باز متوجه اوبسای دولت و سفارت دولت
بسته شده و درخواست علاج عاجل مینمایم

چند روز است که مجدداً تکرار لغت سدان از طرف
روسها سا نور میشود مسئله سا نور هم که درباره
نقاط ایجاد شده و هنوز هم برقرار میباشد امر مخفی است
بامداد روشن

راجع بنمایند معارف

از ثبت مدارس قدس و کسها پاکتی با داره سیده
شکایت از نایند محترم معارف که مدتی است قد خوا
بروگرام وزارت معارف و اوقاف و مدارس را از ایشان
نگرفته ایم ابد اعطاف تو می فرمودند و تا بحال جواب

تا خبر انداخته اند جنگل

از رئیس محترم معارف رشت دستور و پرگرام وزارت
جدیده معارف را در خواست مینمایم که تیشلات مداری
وین سامان ناقص نماید

از رشت با یوزینه که مادر و عباله خان به از سید که
به خاتره و آرسینو نظیه خیانت های اجزای سابق را
کشف کرده و بعد از محاکمه اغلب را غول و نظهران
روانه نمودند غیر از محمود خان و میرزا شیخ که بدو
محاکمه خارج شدند
مانده آقای ماروز را با بحال این دو نفر فاحش دولت
و ملت جلب مینمایم

برای رنده داشتن نام نگانه شهید رده دهن میرزا جهانگیر
خان میرصوار انرا قیل
یکت از این جریده را بنام ذیل میکاریم
(چرند پرند)

تکذبات خارجیه - بتوسط آژانس پیاده
از خدمت بزرگمیدان

یوم جمعه یک ساعت ۲۵ دقیقه بتوسط بزرگمیدان
خوش مزین یک از دست بزرگمیدان بلند گردید
(نطق امید بخش)

دیدن عباتی مادر طرف اظهارات خود چنین
بیان نموده این خدمت نسبت به حال سابق آئینه
بخش است همین قسم که راه طلبان جوانان با
مکل و کردت عصا بر کف دست گرفته در خیابانها
بزرگ میدان و سنگهای باغ قسم عرض اندام میباید
عقرب است که مقام توفیق را اجراء نمایند
(از قلمستان)

خدمت فوریه - در ضمن انتظامات رفته رفته وجود
خارجی پیدا کرده در گوشه در کنار کب اجتهت بود
احتمال بی اراض سریره میزد و از قیل (ریل) آبی
(استغفار از وزارت) (بانیولیا) از طرف مجلس
خود انقباض خوب است برای جلوگیری از این
مرض ملک یک قرطیقه در دماغ و کیل مش
گذاشته شود که بایرین مرتب کنند
(ادبیات)

این دوره تقییه چون دور و چاد است

ایضا - اسرار - انجمن

طبعه کماله

این موقع فتنه و گر موقع کار است

ای موقع با و ام در عالم خلصه
این ماه دیگر آغاز ایام بهار است
نزدیک با تمام کوزه و کوزه
نی وقت شرب است غایت قدرت

این دوره چه پاریزه - به جهانه
آسیفت بدست کوشش
این رشته بگسته بنافید زمانه
ای مردم دل غمت کوه بوی
این شب چو آینه نشسته سخانه
تا وقت کشد رفت که کوشش
افسوس که روزی چو شب است

امروز که سفورده آمد رفت شداد
باد دوره بجهید باز که داریم
امروز که روستای آزاد با داد
حد و عده عاید ما خود بکاریم
امروز که باید بود مملکت آباد

باین همه امید ما که نگاریم
هر کس بخویش به راه سوار است
امروز که بهایه باکشته پارس

باصطفت خویش بیار چه گوید
امروز که بیکانه باکشته ده کار
از محنت مدوش تا چاره بگوید
امروز که از قدرت سرخرو اجار
خان شده درش کی دست تیرید
او باز بهر گوشه که دیش سرباز است

محل دوش از پشت شتابان نشسته (نگارشی ح. ص. ۵)